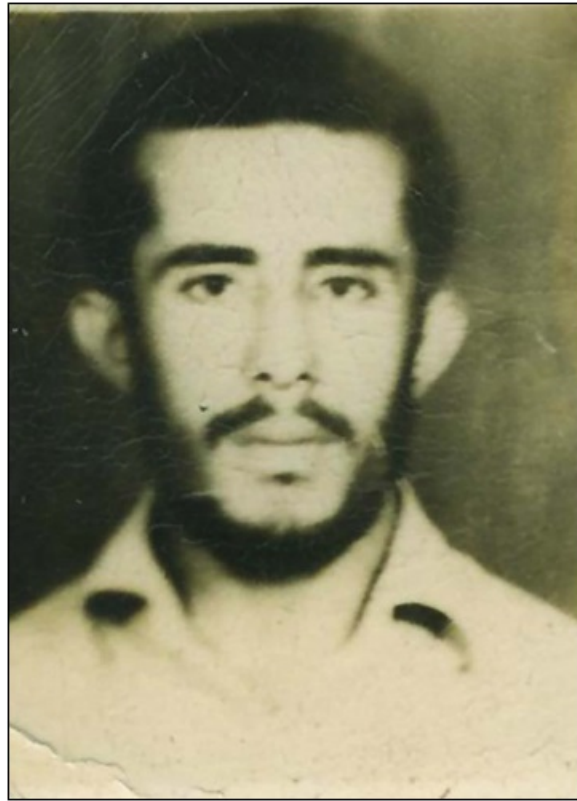


شهید حسین پیوست



از بشارت علی
سازمان جامع سرداران و دختران شهید استان بوشهر

نام پدر	خورشید
تاریخ تولد	۱۳۴۴/۰۱/۰۱
محل تولد	بوشهر – تنگستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۵/۱۱/۰۳
محل شهادت	سلمچه
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	—
تحصیلات	پنجم ابتدایی
مدفن	جائینک

زندگینامه

شهید حسین پیوست در سال ۱۳۴۴ در روستای جائینگ در جوار حسینیه سیدالشهدا^ع چشم به جهان گشود و خانواده‌ی متدین و مذهبی وی به علت انس و علاقه به امام حسین نام وی را حسین گذاشتند وی ادامه پیدا کرد تا اینکه وارد مدرسه ابتدایی شد و با پایان مدرسه ابتدایی به فکر جبهه و جهاد علیه باطل افتاد و تمام اصرار خود را بر این امر نمود که بتواند به جبهه رهسپار شود ولی به دلایلی چون صغیر بودن سن وی در ابتدا نتوانست به این مهم دست یابد چندی بعد با دستکاری شناسنامه اش توانست به طریقی غیرقانونی به جبهه ها عازم شود . اولیه مرحله اعزام مصادف با عملیات رمضان بود و در مراحل بعد همراه با شهید اسماعیل افروز در جبهه های قلعه قندی و موسیان و عین خوش و دهلران شرکت نمود و با دیگر رزمندگان به پیروزی هایی دست یافتند وی با شرکت در جبهه های دیگر مانند کوشک که از خطرناک ترین جبهه ها بود و نگهبانی سنگر کمین در منطقه زبیدات در یکصد متری عراق رشادت های فراوانی از خود نشان داد و بعد از این ، برای خدمت سربازی خود را به لباس پاسداری مزین کرد و مدت ۱۷ ماه تمام مجدداً در جبهه ها به خدمت مشغول شد . و در این زمان بود که مجروح شد و به پشت جبهه انتقال یافت و پس از بهبود نسبی دوباره به جبهه رفت و در کربلای ۴ شرکت نمود و پس از آن با شروع عملیات کربلای ۵ شور و شوق عجیبی در آن روزها در چهره آن شهید دیده می شد و اکثراً شهادت خود را در خواب به دیگران می داد و همه همزمانش به این امر اعتراف دارند که آن روزها علایم شهادت در چهره شهید نمایان بود و با وجود اینکه چند شب به طور متوالی عملیات می کرد و وظیفه آن دسته به پایان رسیده بود ولی داوطلبانه دوباره به کمک همزمانش رفت زیرا اعتقاد داشت که آنها به نیرو نیاز دارند و در آن شب بود که به آرزوی دیرینه اش رسید و بدن مطهر وی حدود ۵ ماه در زیر خاک ماند .

وصیت نامه

یا الله یا محمد (ص) یا فاطمه الزهرا (ص) یا حسن یا حسین یا علی یا محمد یا جعفر یا موسی یا علی یا محمد یا حسن یا حجه (عج) و تو ای ولی مان روح الله و شما ای پیروان صادق شهیدان ، خدایا ، چگونه وصیت نامه بنویسم در حالی که سراپا گناه و معصیت ، سراپا تقصیر و نقص ، گر چه از رحمت و بخشش تو ناامید نیستم ولی ترس من از این است که نیامرزیده از دنیا بروم می ترسم رفتنم خالص نباشد و پذیرفته درگاهت نشوم یارب العفو . نمیرم در حالی که از من راضی نباشی . ای وای که سیه روز خواهم بود خدایا چقدر دوست داشتنی هستی ، هیئات که نفهمیدم خون باید می شدی و در رگهایم جریان می یافتی و سلولهایم یارب یارب می گفت ((یا ابا عبدالله)) چقدر لذت بخش است انسان آماده باشد برای دیدار پروردگارش ، ولی چه کنم که نیستم ، خدایا قبولم کن سلام بر روح خدا نجات دهنده از منجلاب عصر حاضر و عصر ظلم و ستم عصر کفر و عصر مظلومیت اسلام و پیروان واقعیش . عزیزانم اگر شبانه روز شکرگذار خدا باشیم که نعمت اسلام و امام را به ما عنایت فرموده باز هم کم است آگاه باشیم که سرباز صادق و راستین این نعمت شویم خطر و سوسه های درونی و دنیا فریبی را شناخته و بر حذر باشیم که صدق نیست و خلوص در عمل تنها چاره ساز ماست ای عاشقان ابا عبدالله بایستی شهادت را در آغوش گرفت گونه ها بایستی از حرارت و شوقش سرخ شود و ضربان قلب تندتر بزند بایستی محتوای فرامین امام را درک و عمل نماییم تا بلکه قدری از تکالیف خود را در شکرگذاری بجای آورده باشیم . وصیت من به پدر و مادر و برادران و خواهرانم و اهل فامیل این است که بدانید اسلام تنها راه نجات و سعادت ماست و همیشه به یاد خدا باشید و فرامین خدا را عمل کنید پشتیبان و از ته قلب مقلد امام باشید . اهمیت زیاد به نماز و دعاها و مجالس یاد ابا عبدالله و شهدا بدهید که راه سعادت و توشه آخرت است ، همواره تربیت حسینی و زینبی بیابید و رسالت آنها را رسالت خود بدانید و فرزندان خود را نیز همان گونه تربیت دهید که سربازانی با ایمان و عاشق شهادت و علمداران صالح و ارشاد حضرت ابوالفضل العباس برای اسلام باشند از همه کسانی که از من رنجیده اند و حق برگردن من دارند طلب بخشش دارم و امیدوارم خداوند مرا با گناههای بسیار بیامرزد خدایا مرا پاکیزه بپذیر . حسین پیوست

۲/۶۲/۵ بامید پیروزی رزمندگان



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران